

فیدل کاسترو

ماه‌گز به اصول انترناسیونالیسم
خیانت نخواهیم کرد

از انتشارات حزب توده ایران
سال ۱۳۵۸

فیدل کاسترو

ماه‌گزه به اصول انترناسیونالیسم
خیانت نخواهیم کرد

T. S. A.
Denton

از انتشارات حزب توده ایران
سال ۱۳۵۸

www.KetabFarsi.com

انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸

«ماهر گزبه اصول انترناسیونالیسم خیانت نخواهیم کرد»

فیدل کاسترو

حق چاپ و نشر این کتاب برای حزب توده ایران محفوظ است

فیدل کاسترو

ما هرگز به اصول انترناسیونالیسم خیانت نخواهیم کرد^۵

بیست و پنجمین بار است که سالجشن انقلاب ۲۶ ژوئیه را چه در زندان، چه در تبعید، چه در کوه‌های سیرامایسترا و چه در مین آزاد شده با پیکار مسلحانه کوبا-پیکاری که در چنین روزی از سال ۱۹۵۳ از توشعله کشید، پیکار عادلانه‌ای که در گام گذاری خلاق ما در راه شرف و حیثیت اجتناب ناپذیر و ضروری بود- بر گزار می کنیم. اما این

۵ نطق رفیق فیدل کاسترو که در ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۸ در -نتیاگودو کوبا بمناسبت قیام مونکادا ایراد شد و در روزنامه «گراسما» گان کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا به چاپ رسید. ترجمه از روی متن انگلیسی انجام گرفته است.

روزنقطه شروع پیکار رهائی بخش خلق مانبود، بلکه تنها
آغاز مرحله نوینی در جنبش قهرمانانه‌ای بود که «سپیدس»
در سال ۱۸۶۸ آن را آغاز کرد و بعدها «خوزه مارتی» آن
را ادامه داد. این انسان بزرگ که صدمین زادروزش را
سال گذشته گرامی داشتیم، الهامبخش قیام «مونکسارا»
بود.

در سراسر تاریخ چندین هزار ساله بشر در یک سو
اربابان قرار داشتند و در سوی دیگر بردگان، سرفها، دهقانان
و کارگران. خلاصه قهرمانان ستم، ستمی که زاده آزماندی
گروهی و درماندگی گروهی دیگر و نیز محصول تکامل
عینی جامعه از مراحل ابتدائی آن تا زمان حاضر بوده است
و در رهگذر آن افراد جامعه از پایین‌ترین پله‌های نردبان تکامل
تا اوج کمال مادی و معنوی انسان نوصعود کرده‌اند.

قوانین طبیعت و جامعه جادو سنگ‌لاخ و ناهمواری
را فرا راه انسان نهاد و انسان ناخود آگاه مسافت بزرگی
از این راه را در نور دید. بشر امروز در مقایسه با دیگر دورانها
از موقعیت ممتازی برخوردار است و این در بر تو امکانات
بی سابقه‌ای است که در سلطه بر طبیعت از آن برخوردار گشته

است که برای اولین بار در تاریخ می تواند راه تکامل اجتماعی را ترسیم و طراحی کند. بنابر این کوشش در ابقاء بعضی از صورت بندی های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی کهن در بسیاری از مناطق دنیا از بزرگ ترین جنایت ها است. درست همین امکانات است که می تواند مفهوم اخلاقی و حماسی و الایسی را به اراده خلقها و کار و پیکارشان در بازسازی و زندگی شان ببخشد و همین ها است که آرمان انقلاب را معنا می دهد. در سرزمین ما اربابانی بودند که نیاکان بومی ما را در خون کشیدند و اسلاف آفریقائی ما را به بردگی بردند. اخلاف این بردگان همراه با اربابانشان با استعمارگران رویاروی شدند. کوبائیان به عنوان يك ملت با استعمارگران نو روبرو بودند ؛ حال آن که کارگران و کشاورزان ما در برابر بهره کشان خود یعنی سرمایه داران و زمین داران قرار داشتند. سیاهان و زنان میهن ما قربانی تبعیض بودند. بی سوادى، گرسنگى و بیماری نصیب کودکان ما بود و جهل و بیکاری نصیب بزرگسالان ما، و سالخورده گان از هر گونه تیمار و توجه ای محروم بودند .

هر ستم و بیدادی برانگیزنده مبارزه است. سرخ

پوستان علیه این نظام ستم شوریدند و نابود شدند. حماسه
دلاورانه بردگان، نبردهای قهرمانانه ستم کشان در اکتبر
۱۸۶۸، ۲۴ فوریه ۱۸۹۵ و ژوئیه ۱۹۵۳ نیز زائیده چنین
نظامی بود .

در این راه دراز و دشوار تنها نسل ما برد که بخت
بلند پیروزی و دست یابی به میوه شیرین پیکار را پیدا کرد، و
چنین است که امروز ما می توانیم سالروز قیام خود را در
شرایط آزادی، استقلال و عدالتی که نسل های بی شمار
گذشته رؤیای آنرا در سرمی پروراندند، برگزار کنیم .
این بدان معنی نیست که مفاهیم آزادی، استقلال و عدالت
در دوران های مختلف یکسان بود: برای برده این صرفاً
به معنی الغاء نظام اجتماعی و حقوقی ننگین و شرم آور برده-
داری بود . اما برای کارگر مفاهیم آزادی، استقلال و
عدالت به کلی متفاوت بود و آن عبارت از الغاء کامل تمام
اشکال بهره کشی انسان به وسیله انسان و برابری کامل و
حقیقی همگان و همکاری برادرانه بین همه ملل جهان را
شامل می باشد . انقلاب ما دقیقاً در چنین دورانی از
انترناسیونالیسم و سوسیالیسم رخ داد، یعنی در دوران پیدایش

مفهوم آزادی و برابری بشر.

آیا ما انقلابیونی برتر از گذشتگان خود بوده ایم ؟
خیر، این شرایط عینی جامعه و جهان ما بود که ما را
مارکسیست-لنینیست، انترناسیونالیست، سوسیالیست و
کمونیست بار آورد. در هر روز و روزگاری و در هر سرزمینی
انقلابیون تمام کوشش و توان خود را وقف هدف شکوهمند
ترقی و تعالی بشر کرده اند. از این روست که انقلابیون امروز
نمی توانند نسبت به انقلابیون گذشته برای خود فضیلتی
ذائل شوند. از نتیجه نظر کیفی تنها تمایز یک انقلابی امروز
درک عمیق تر او از قوایین تکامل اجتماعی است که او را به
افزار پیکار و دگرگون سازی اجتماعی به مراتب موثرتری
مجهز ساخته است. انقلابیون امروز گنجینه های گران بهای
اندیشه های خود را مدیون مارکس، انگلس و این بنیان گذاران
سوسیالیسم علمی می دانند. ما با اعتقاد کامل می گوئیم که
خلق ما بدون آنها هرگز نمی توانست جهشی به این بزرگی در
تکامل اجتماعی و سیاسی خود بنماید، لیکن هر آینه بذر
اندیشه ها و سلحشوری بی مانند «مارتنی»، «ماچنوو»، «گومز»،
«اگرا مونت»، «سپیدس» و دیگر بزرگان تاریخ ملی ما در

بستر آگاهی مردم بان کاشته نمی شد، حتی با برخورداری از
اندیشه های علمی هم توان چنین جهشی را نمی داشتیم. شرایط
ویژه تکامل کوبا و سنن پیکار جویانه مردم آن با کاربرد
پیگیرانه اصول جهانشمولی که نمی توان بدان بی اعتنا
ماند، امکان داد تا انقلاب راستینی در کوبا انجام گیرد.

سیاستمداران باوه سرا و گزافه گویی در خارج هستند
که تلاش می کنند مار کبیسیم را به ناسیونالیسم و شوینیسم
بیالایند و خود را برتر از مار کس، انگلس و لنین قرار میدهند.
آنها ژرفای علمی آموزشیهای آنان و تواضع بسی قیاس
آفرینندگان آئین انتقادی ما را از یاد برده اند و فراموش
کرده اند که این افراد نیستند. که ستون یادبود خود را
برای آیندگان برمی افرازند، بلکه این خلقها و واقعیت های
عینی هستند که جایگاه هر کس را در تاریخ معین می کنند.
یکی از خردمندترین هموطنان مادر نکوهش از تکبر و خود-
فروشی می گوید که «همه افتخار جهان به پوست ذرتی
نمی ارزد».

نیازی نیست که در چنین روزی حقایق بدیهی را
باز گو کنیم و اهمیت اعمال بسیاری از شاهد های عینی

یا شرکت کنندگان در این رویداد تاریخی را تا کید کنیم. ولی لازم است به مردم ما و جوانانی که افتخار بزرگداشت این سالگرد را با ما دارند خاطر نشان سازیم که پیروزی يك آرمان در هر کشوری محصول مساعی نسل های بسیار و یاری تمام بشریت می باشد. در اینجا، در این مکان، در میان دیوارهای این دژ، پس از قیام خونین ۲۶ ژوئیه، دهه هائین از جوانان ما - چه بسا شبیه آنانی که هم اکنون در وطن ما گسرد آمده اند - بوسیله پاسداران منافع استثمارگران و انحصارات امپریالیستی و حشیانه مورد شکنجه قرار گرفته و به شهادت رسیدند. آنها می پنداشتند که با این کار می توانند حرکت پیشرونده تاریخ را متوقف سازند. متمگران هیچگاه طغیان توده ها را تحمل نکرده اند و آن را نبخشیده اند - به همان گونه که در قیام اسپار تا کوس و کمون پاریس، در ویتنام و شیلی کینه حیوانی خود را نشان دادند - و با همین کینه رزم آوران استوار و ثابت قدم را مورد تعقیب و آزار قرار داده اند. مرتجعین همیشه می پنداشتند که قدرت آنان برای همیشه پایدار خواهد بود. آیا هرگز تصور می کردند که روزی در نخستین دولت سوسیالیستی نیم کره غربی در

مستیا کود و کوبا- در میان دیوارهای این دژ نظامی سابق-
 نمایندگان بهترین و پیشروترین بخش جوانان نیم کره
 با جوانان ملتی که فرزندانش رویاروی چنین دشواری‌هایی
 نبرد کرده‌اند گرد بیایند تا بیست و پنجمین سالگرد پیروزی
 دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان را جشن بگیرند. این
 نشان می‌دهد که هیچ آرمان عدالت خواهانه خلق نیست
 که تحقق نیابد، که هیچ شکستی نیست که بر پیامدهای آن
 نتوان فائق آمد، که هیچ فداکاری نمی‌تواند بی ثمر باشد
 و هیچ رژیم ارتجاعی برای همیشه دوام نخواهد آورد .
 نیازی نیست به جوانان جهان بگوییم که ستم، عقبه-
 ماندگی، سرمایه‌داری، استعمار، استعمار نو، نژاد-
 پرستی، فاشیسم و امپریالیسم چیست، چرا که بسیاری از
 آنها این تجربه تلخ را به خوبی می‌شناسند، تجربه خود
 ما چیزی جز این نبوده است. پیکار ما به خاطر آزادی و
 پیشرفت تفاوتی با مبارزاتی که در حال در بسیاری از نقاط
 جهان در جریان است نداشته است. پیکار ما همان پیکار
 دایمی خلقهای ستمدیده بوده است. دشمنان ما همانها
 بودند و هستند. پیروزی‌های مانیز پیروزیهای مشترکی بوده

است که بشریت ترقی خواهد امروز بدان دست یافته و یا فردا بدان دست خواهد یافت . این حقیقت که ۲۵ سال بعد از رویدادی که سالگردش را امروز بر گزار می کنیم، این حقیقت که بعد از یک پیکار قهرمانانه و ظفرنمون، کوبا با موفقیت در کار ساختن سوسیالیسم در همسایگی نیرومند ترین و خونخوارترین امپراطوری استعماری جهان است، گرچه که امپریالیستها و خائنین به آرمان انترناسیونالیسم که امروز به نوکری و اتحاد با منم گران برخاسته اند و مذبحخانه تلاش می کنند به آن بی اعتنا بمانند ، لیکن خود شاهد بی چون و چرایی بر پیروزی جنبش انقلابی بین المللی بود و سر مشق الهام بخشی برای تمام خلقهای است که به خاطر آزادی و استقلال نبرد می کنند.

امپریالیسم آمریکا تمام نیروی کینه خود را علیه خلق کوباها کرده است، محاصره اقتصادی شدیدی نزدیک به بیست سال است که علیه کشور ما ادامه دارد، یک پایگاه نظامی خارجی در خاک ما استقرار یافته و اراده و حاکمیت خلق ما مورد تجاوز قرار گرفته است . در تمام این سالها مجموعه ای از دسیسه ها و عملیات خرابکاری، براندازی و

تجاوز بی توقف ادامه داشته است. در بالاترین محافل حکومتی ایالات متحده نقشه‌های شومی برای ترور رهبران انقلاب طرح شده و به مرحله اجرا در آمده است. این واقعیتی است که خود طراحان آن آشکارا بدان اذعان کرده‌اند. هیچ شیوه و روشی هرچند ناجوانمردانه و غیرقانونی وجود ندارد که ایالات متحده آمریکا علیه کشور مابه کار نبرده باشد. امپریالیستها بیماری‌های همه گیر را به سرزمین ما وارد کردند تا گیاهان و دام‌ها را نابود سازند.

چرا امپریالیستها به این کارها دست می‌زنند؟ آنها حافظ چه کسانی بودند و چه چیزی را در کشور ما می‌خواستند پاسداری کنند؟ پاسخ این است: پاسداری از تسلط سرمایه بیگانه بر منابع طبیعی ما، ثروت ما و نمره کار خلق ما، پاسداری از حکومت‌های فاسد و خون‌خوار و خدمت‌گذار متافع امپریالیستها، پاسداری از نظم دهقانان بی‌زمین، کارگران استثمار شده، مردم بی‌سواد و بی‌امید، کودکان محروم از پزشکی و معلم، مردم بیمار محروم از مراقبت‌های پزشکی، پدران محروم از کار، صدها هزار تن از مادرانی که اغلب چاره‌ای جز فحشاء نداشتند، تبعیض

نژادی، نابرابری زنان و فقر زندگی مردم در پیری، قمارخانه‌ها، فساد، هرزگی، حمام خون‌های سیاسی، آری آنها پاسدار چنین وضعی بودند.

کشور ما را با دیگر کشورهای آمریکای لاتین مقایسه کنید در اینجا هیچ گونه تسلط سرمایه داری یا امپریالیستی وجود ندارد. کوبای امروز تنها کشوری در نیم کره غربی است که از بیکاری، بیسوادی، فقر، فحشا، قمار و تبعیض نژادی آزاد است، کشوری دارای بالاترین شاخص تکامل در بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، فرهنگ و ورزش در تمام قاره آمریکا. ما صاحب و مالک مطلق منابع اقتصادی و ثروت طبیعی خود هستیم. ما خود طراح توسعه و تکامل خود هستیم و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ما تنها به ما وابستگی دارد. دشواری‌های ما نیز همان دشواری‌های عینی هر کشور در حال توسعه دیگر جهان می‌باشد. اما ما توانایی آنرا داریم که آینده خود را به گونه‌ای دلخواه شکل ببخشیم، حتی اگر چنین آینده‌ای متواضعانه و بی‌زرق و برق باشد، اما بی‌تردید سرشار از آزادی و شرف خواهد بود.

حال به بینیم چگونه انقلابیون کوبا توانستند فاتح
این پیروزی باشند؟ با عزم و استواری، با وفاداری به اصول،
با پیوندهای نزدیک با توده‌ها، با ایمان بی‌حد و حصر به
عدلانه بودن آرمان خود در سایه از خودگذشتگی،
قهرمانی و دلاوری خلق کوبا، در سایه همبستگی بین‌المللی
و حمایت جنبش ترقی خواه جهان و کشورهای سوسیالیستی
و به ویژه کشور پر افتخار اتحاد شوروی.

آری، ما توانستیم بگوییم نه!

نه به سست‌عنصری در برابر خصم، نه به دشواری‌ها،
نه به بدبینی، نه به ترس، نه به تسلیم‌طلبی، نه به فرصت‌طلبی، نه به
امتیازات ایدئولوژیکی، نه به سوء استفاده از قدرت، نه به
ناسیونالیسم و شوینیسم کوتاه نظرانه، نه به زیر پا گذاشتن
اصول، نه به فساد و تکبر، نه به خدا سازی از رهبران و پرستش
پوچ شخصیت، نه به خطاناپذیری رهبران انقلاب.

و توانستیم آری بگوییم:

به همبستگی در میان مردم، به مارکسیسم-لنینیسم، به
ضد امپریالیسم پیگیر، به انترناسیونالیسم پرولتری، به نیاز
به حزب پیشاهنگ، به رهبری جمعی و موازین دموکراتیک،

به انتقاد از خود، به از خود گذشته‌گی در برابر خلق، به ستایش و حرمت برای همه آنها بی که در گذشته با پیکار خود به کشور ما امکان داده‌اند که تا به امروز پا برجا بماند، به سپاس ابدی به همه آنها بی که آوای همبستگی با ما سردادند و با حمایت بلند نظرانه و بی‌فرضانه خود بما یاری دادند تا در برابر تجاوز امپریالیسم ایستادگی کنیم.

همانطور که شاهدید کوبای امروز به هیچوجه کوبای بیست سال قبل نیست. اینجا دیگر مانند گذشته از کازینوها، گدایان، بیکاران و محله‌های عیش و عشرت خبری نیست. اما فکر نکنید که هر کسی که به اینجا پا گذاشته از دگرگونی‌های بعد از انقلاب شادمان گشته است. در زمان حکومت وحدت ملی شبلی در جریان بازدید دوستانه یکی از ناوهای نیروی دریائی آنها، بسیاری از افسرانی که بار و جبهه بورژوائی پرورش یافته بودند، وقتی دیدند که درها و انا چون دیگر پایتخت‌های آمریکای لاتین و ایالات متحده و اروپای غربی از روسپی‌خانه‌ها خبری نیست، ناراحت شدند. پیش از انقلاب در کوبا روسپی‌خانه‌ها در کنار چوبه‌های دار وجود داشت، به همان گونه که امروز در شبلی دیده می‌شود.

چنین شرایطی که مشخصه استعمار نو و سرمایه‌داری کم توسعه‌می باشد بر خلق مائیز تحمیل و بسزور اسلحه ابقاء شده بود و ارمغان عمده سلطه امپریالیستی در مین ما به شمار می رفت. امپریالیست‌ها پز شکو و معلم تربیت نمی کردند. آنها به پلیس طرز شکنجه و ربودن و کشتن انقلابیون و ناراضیان رایاد می دادند. این همان چیزی است که هم اکنون در نیکاراگوئه، شیلی، ارو گوئه، پاراگوئه و دیگر کشورهای ستمکش آمریکا و دیگر نقاط جهان شاهد آن هستیم. علاوه بر آن شیوه‌های شسته و رفته دیگری که به وسیله پنتاگون و سی. آی. ای. اختراع شده بکار گرفته می شود. آنها یاد می دادند که چگونه يك کمونیست را مورد آزار قرار داده و به ستوه آورند و چگونه يك اتحادیه کارگری را با فرار دادن یکی از عوامل خود در راس آن متلاشی سازند. آنها یاد دادند که چه چیزهایی باید در روزنامه‌ها منتشر شود و چگونه باید این کار انجام گیرد. چه فیلم‌هایی باید به نمایش در آید و چه برنامه‌های رادیویی باید پخش شود و چه کتاب‌هایی باید خوانده شود. آنها تصمیم می گرفتند کجا سرمایه‌گذاری کنند و چه سودهایی برداشت کنند و

این جای تعجب نیست، از آنجایی که آنان اربابان مطلق امور مالی بهترین زمین‌های ما و ثروت طبیعی ما بودند. آنها سیاست ما را شکل می‌دادند و بر سر نوشت ما حاکم بودند. بدتر از همه آن‌که، آنها مردم فقربازده و عقب‌افتاده ما را به عادات زشت جامعه مصرفی آلوده ساختند، به عاداتی که عواقب آن مازدگارت‌تر و لاجرم ریشه‌کن کردن آن دشوارتر است، عاداتی که متعلق به دنیای سرمایه‌داری توسعه یافته می‌باشد، دنیایی که سطح رشدش را مدیون استثمار بی‌رحمانه خلق‌های ممالک استعمارزده و نواستعمارزده و از رهگذر موافقت‌نامه‌های بازرگانی اسارت‌بار با کشورهای از نظر اقتصادی عقب‌افتاده می‌باشد. جامعه بورژوازی آفریننده ذائقه‌های بورژوازی و شیوه زندگی بورژوازی در شهر و روستا است. جامعه کارگران نمی‌تواند چنین ذائقه‌ها و چنین شیوه‌های زندگی را پذیرا باشد. زاغه‌ها برای بینوایان و کاخ‌های مجلل برای ثروتمندان، جاده‌های خاکی برای دهقانان ساده و اتوبان‌های مدرن برای لیموزین‌های پرزرق و برق.

کشورهای سرمایه‌داری آمار مصرف سرانه را منتشر

می کنند اما هرگز از شکاف و احتشاک بین مصرف بک میلیونر
 و مصرف بک کارگر، بک بیکار یا بک گدا سخنی نمی رود.
 شما در شهرها و شهرکهای ما آگهی های تبلیغاتی پرزرق و
 برق نشون را نمی بینید زیرا ما دنبال آن نیستیم که بمردم-
 مان بگوییم کدام نوشابه رایباشامند یا کدام سیگار رادود
 کنند آن طوری که در جامعه با اصطلاح «آزاد» معمول
 است. از سویی دیگر شما شاهد هزاران مدرسه و پلی-
 تکنیک روستایی و خانه های دهقانان می باشید. در
 روزنامه های ما آگهی های تبلیغاتی یا باوه گویی درباره
 عروسی ها، بزم ها و تفریحات ویژه ثروتمندان، چیزی که
 هرگز برای زحمتکشان، یعنی آفرینندگان واقعی، و تنها
 آفرینندگان ثروت جامعه جالب توجه نبوده است، نخواهد
 دید. رادیو و تلویزیون دم بدم برنامه های خود را قطع
 نمی کنند تا آگهی های بازرگانی را پخش کنند، زیرا
 رسانه های گروهی ما در خدمت آگاهی آموزش و پرورش و
 فرهنگ توده است و بهبودی اجتماعی و سوداگری مبتذل
 را تبلیغ نمی کند. ممکن است گه گاه به اندازه کافی رنگ
 برای رنگ آمیزی خانه های تازه ساخته شده مان نداشته

داریم و همیشه به حد کفایت پزشک و دارو در بیمارستان هایمان
برای همه کشورهای کان و بزرگسالان کشورمان موجود
است. همین طور شما در خیابان هایمان آخرین مدل های
پرسرو صدای اتومبیل ها را، که مقادیر زیادی بنزین مصرف
می کنند، مشاهده نخواهید کرد. زیرا ما دست اندر کار بهبود
وسیله عمومی هستیم و اتومبیل شخصی را به مثابه يك ابزار
کار می گیریم که به پزشک و مهندس و کارگر در انجام
وظایف اجتماعی اش کسک خوانند کرد.

اغلب از خود می پرسیم که اگر بر طبق ایدئال پوچ
و کذب جامعه سرمایه داری پیشرفته، هر خانواده در آسیا
از جمله چین و هند و آفریقا و آمریکای لاتین صاحب
اتومبیل شود بر سر دنیا و منابع طبیعی و انرژی آن چه
خواهد آمد. در گذشته گفته اند: «انسان تنها بانان
زندگی نمی کند»، امروز ما می توانیم به گوئیم، «انسان تنها
به خاطر اتومبیل زندگی نکرده و نباید بکند».

همه آن چیزهای غیر منطقی که استثمار و سرمایه داری
بارمغان آورده است نمی تواند الگویی برای بشری که در

۲۵ سال آینده به مرز ۷ میلیارد نفر خواهد رسید ، باشد .
اعتقاد ما بر این است که انرژی و سایر منابع بنیادی در
مرحله اول باید برای بر آوردن احتیاجات بشر پیرامون
خوراك، مسكن، بهداشت، آموزش و پرورش، خدمات
فرهنگی و دیگر نیازمندی های حیاتی جامعه به کار رود. آنها
را باید در جهت اعتلای سطح رفاه خلق، که تصویری دیگر-
گونه از زندگی، جامعه و حاصل کار انسان دارند، بکار برد.
ما منابع ناقابل کشور قهرمان خود را که آماج محاصره
اقتصادی و حشیانه کشور ثروتمند و نیرومندی چون ایالات
متحده بوده است وقف آن می کنیم معذالك هیچ کس
نمی تواند کامیابی های کوبا را انکار کند ، کامیابی هایی
که نشان می دهد حتی يك کشور فقیر هم تحت يك نظام عادلانه
سوسیالیستی می تواند به چه دست آوردهای شگفتی نائل
گردد.

در مین ماهر کسی را کتاب بدست مشاهده می کنید،
زیرا همه می خواهیم تحصیل کنیم. همه ما می خواهیم
بیاموزیم ، همه ما می خواهیم استیباط درستی از جهانی
که در آن زندگی می کنیم داشته باشیم، از هیچ کسی انتظار

نداریم که بدون دلیل و کور کورانه حرفهای مارا قبول کند.
ما به همه می‌گوییم بیندیشید، بیاموزید و برای خود تصمیم
بگیرید.

تلاش امپریالیسم برای قلمداد کردن کشور ما به عنوان
رژیمی مبتنی بر زور مسخره است. آری ما هم زور داریم
اما نه زور اسلحه نه زور قانون، نه زور نهاد های دولتی . این
زور زور خلق، زور توده‌ها و زور اعتقادات انقلابی و بلوغ
سیاسی هر فرد کوبایی است؛ زور ما نتیجه دروغ و عوام-
فریبی نیست، بلکه زائیده صداقت ما، حقیقت ما و بیداری
ما است، وانگهی اسلحه ما در دست خلق است و با این
اسلحه آنها بدون توسل به شکنجه و جنایت، بدون تشکیل
جوخه‌های مرگ، بدون زور بودن و کشتن مبارزین، بدون زیر
پا گذاشتن قانون و توسل به قانون سر نیزه - بدان گونه که
در کشورهای تحت سلطه امپریالیست‌ها و برای پاسداری از
رژیم‌های ارتجاعی و اعمال بی‌عدالتی و ستم به چشم می‌خورد-
از انقلاب دفاع می‌کنند و این واقعیتی است که دشمنان
قسم خوردده ما هم کم بدان معترف گشته‌اند . ما تمام اینها
را مدیون آن اصول و اخلاق انقلابی هستیم که در روزهای

قیام «مونکارا» کاشته شد و به هنگام جنگ آزادی بخش و تکامل بعدی انقلاب به ثمر رسید. حقانیت تاریخ استوار و شکست ناپذیر است و بالاتر از دروغ پردازی های بی حد امپریالیسم می درخشد.

ما بر آنیم تا هر چه بیشتر در جاده عدالت گام برداریم، اکنون ما در حال طرح ریزی برنامه پنج ساله دوم و دست اندر کار مطالعه چشم اندازهای پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سال دو هزار هستیم. ما به زودی یک برنامه رشد ملی درازمدت برای سال آینده را تکمیل خواهیم کرد. هر شورای استان و شهرستان می داند که چگونه زندگی خواهد کرد و چه وظایفی در جریان رشد و تکامل ملی در پیش دارد. برای آن که تصویری از آینده ملت ما بدست داده باشیم کافیست که یاد آور شویم که امسال به تنهایی ۱۸۰۰۰ نفر به عنوان مربی مدرسه و کالج فارغ التحصیل شده اند. همه آنها می پندارند که کشور ما سرزمین سر بازان است باید بدانند که تعداد فارغ التحصیلان دانشسراهای تربیت معلم ما بیست برابر تعداد افسرانی است که امسال برای نیروهای مسلح ما تربیت شده اند. درست است که هر کوبایی خدمت در

نیروهای مسلح را چه به عنوان سرباز یا افسر مایه افتخار و شرف می‌داند زیرا اسلحه‌ها چه در داخل و چه در خارج کویادر خدمت آرمان شکوهمند انقلاب و انترناسیونالیسم می‌باشد. در تحلیل نهایی همه ما سربازان انقلاب هستیم، با وجود این، دانش چگونه درس دادن بس دشوارتر از دانش چگونه مردن است. خلق مابارها و بارهانبرد کرده و قربانی دادهاست، زیرا خلق باید بداند چگونه نبرد کند تا بشریت زنده و جاوید بماند.

ما همواره در حال پیشروی به سوی مدارج فرهنگی و الایی هستیم، فرصت‌هایی که در اختیار ما است، بی‌انتها است. مابا آنچه که تکنولوژی، منابع طبیعی و کارما قادر به آفرینش است زندگی خواهیم کرد. اما ما تنها به خود نمی‌اندیشیم و چون حلزونی درون پوسته خود زندگی نمی‌کنیم، ما با سخاوت انقلابی و انترناسیونالیستی همه آنچه را که داریم تقدیم جهان خواهیم کرد.

زندگی بدون شما چه مفهومی دارد؟ کویا بدون بقیه دنیا چیست؟ اگر رویاهای دیروز ما امروز حقیقت می‌یابد، رویاهای امروز فردا تحقق خواهد یافت. از این رو باید

با تمام خلقهای جهان این رویای شیرین را رنگ حقیقت دهیم.
از آنجایی که واقعیتها را نباید از یاد برد، باید
خاطر نشان کنیم که بشریت امروز با وظایف خطیری مواجه
است. مهمتر از همه دور ساختن خطر يك جنگ هسته‌ای
می‌باشد.

انسان در دوران‌های مختلف مناقشات سیاسی خود
را به کمک سلاح‌های سنگی، تیر و کمان، شمشیر، هواپیما،
ناو جنگی و تانک فیصله می‌داد. اما هیچگاه به جنگ افزارهایی
این چنین مرگبار و ویرانگر که اکنون در اختیار دارد مجهز
نیوده است. آنچه سابق بر این می‌توانست يك بازی جاه طلبانه
بدون مسئولیت از سوی طبقات حاکم به منظور حفظ منافع
خود و تقسیم مجدد جهان یا خفه کردن اندیشه‌های ترقی
خواهانه مثل جنگهای گذشته باشد، امروز با وجود پیچیدم
ترین وسائل انهدام دسته جمعی حکم يك خودکشی جهانی و
خیانتی علیه تمام بشریت را دارد. هنوز معلوم نیست که آیا
نسل بشر با این جنگ افزارهای هیولایی که در اختیار دارد
بتواند در صورت بروز يك جنگ اتمی به هستی خود ادامه
دهد.

حتی يك تحليل مقدماتی از واقعیت نشان می دهد که بطور کلی پیشرفت سیاسی و اجتماعی انسان از قدرت کثرت و ویرانگریش عقب مانده است. این نیروهای ترقی خواه و انقلابی نیستند که مسئولیت وضعیت فوق العاده خطرناک کسنونی را بر عهده دارند. شعار صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان تمام ملل بوسیله لنین در سپیده دم انقلاب سوسیالیستی تبلیغ و تبیین شد. سوسیالیسم که هدف اصلی آن، در عرصه اقتصاد، اعتلای نیروهای مولده و توزیع عادلانه فرآورده های کار می باشد، احتیاجی به جنگ، تقسیم مجدد جهان و سوداگری اسلحه ندارد. رشد اقتصادی برنامه ای و نیازهای اساسی انسان احتیاج به صرف منابع مادی و انسانی جهت مسابقه تبلیغاتی بسی حاصل ندارد. این نخستین کشور سوسیالیستی نبود که اندیشه جنگ بین کشورها با نظام های اجتماعی متفاوت را پیش کشید. بلکه این قدرت های امپریالیستی بودند که تلاش کردند با مداخله و محاصره اقتصادی، اولین دولت کارگری - دهقانی را متلاشی ساخته و در همان زمان جنبش انقلابی سراسر جهان را خفه کنند. همین سیاست بود که فاشیسم

را به وجود آورد و جنگ جهانی دوم را - جنگ آلمان
هیتلری علیه اتحاد شوروی را - که با رضایت ضمنی
قدرتهای امپریالیستی آماده شده بود، و به قیمت جان بیست
میلیون تن از بهترین فرزندان این اولین کشور سوسیالیستی
تمام شد، به وجود آورد. خلق های کشورهای امپریالیستی
همبهای سنگین این قمار ضد کمونیستی و جانبدار فاشیستی
فرمانروایان بر خود را پرداختند .

چه کسی منکر این واقعیت های تاریخی است؟ چه
کسی منکر این است که کشورهای سرمایه داری را باید برای
شروع جنگ در خور سرزنش دانست؟ چه کسی می تواند
فراموش کند که این سوسیالیسم بود که از سلطه فاشیسم
بر جهان جلوگیری نمود. امروز آیا این ایالات متحده آمریکا
نیست که بجای آلمان هیتلری پرچم آنتی کمونیسم و ضد
انقلاب را بدوش می کشد؟ چه کشور دیگری می تواند صلح
روی زمین را واقعاً در مخاطره بیاندازد؟ چه کسی سیاست
زور را تعقیب می کند؟ چه کسی گرد جهان را با پایگاه های
نظامی حلقه زده است؟ چه کسی به مسابقه تسلیحاتی دامن
می زند؟ چه کسی صنایع جنگی را برای غلبه بر مشکلات

اقتصادی داخلی و ارضاء منافع انحصارات قدرتمند، توسعه می‌دهد؟ کسانی که کشورهای سوسیالیستی را به خاطر برنامه دفاعیشان سرزنش می‌کنند درس‌های فاشیسم را از یاد برده‌اند.

این حقیقت تاریخی را فراموش کرده‌اند که این امپریالیسم با سیاست تجاوز و محاصره اقتصادی و ارباب خود است که کشورهای ما را مجبور می‌کند منابع عظیمی را به مصارف نیازهای نظامی برسانیم، کاری که مطلقاً با مقاصد و هدف‌های یک نظام سوسیالیستی بیگانه است.

ما مارکسیست-لنینیست‌ها بر این اصل اعتقاد داریم که دیگر گونی‌های اجتماعی را نمی‌توان از خارج تحمیل کرد. و زمانی هم که خلق‌ها مصمم به اجرای آن شیوه دلخواه خود گردند نمی‌توان جلوی آنها را گرفت. کشورهای سوسیالیستی هیچگاه قصد صدور انقلاب ندارند. کسی سوسیالیسم را به اتحاد شوروی صادر نکرد. همان طور که کسی آنرا به کوبا صادر نکرد. از هنگامی که سوسیالیسم موجودیت یافت این تنها کشورهای امپریالیستی بودند که در صد صدور نظام سرمایه‌داری، ارتجاع، ضد انقلاب و فاشیسم برآمدند.

چگونه بشر می تواند از مسابقه تسلیحاتی سود ببرد؟

چرا باید این همه منابع مادی را در راه تسلیحات هدر داد
در حالیکه می توان آنرا بخوبی صرف نیازهای انسان،
مانند غذا، مسکن، بهداشت، خدمات آموزشی و تسهیلات
تفریحی نمود؟ هر ساله صدها میلیارد دلار صرف مقاصد
نظامی می شود. هر ساله کوههایی از جنگ افزارهای
مرگبار در برابر چشمان حیرت زده بشر قد می کشند. بشری
که در زیر بار مسائلی چون عقب ماندگی اقتصادی، بیماری،
گرسنگی، بی سوادی، کمبود فزاینده غذا و منابع طبیعی
و آلودگی محیط زیست رنج می برد.

بسادگی می توان فهمید که بشریت تنها یک راه
دارد و آن غلبه بر مراحل رشد و توسعه سرمایه داری و
امپریالیستی است، تا بدین وسیله عدالت اجتماعی و همکاری
در همه جا برقرار گردد. اما این مسئله ای است که خلق هر
کشور باید به شیوه دلخواه خود آنرا حل کنند.

بشر باید به سر نوشت بهتری دست یابد. بدینی در
مورد ضرورت و امکان صلح در جهان مطلقا غیر قابل قبول و

ناشی از عدم مسئولیت است. آنهایی که جنگ را اجتناب ناپذیر دانسته و حتی آنرا تحریک میکنند، ظاهراً در این گمان هستند که آنها بازماندگان این جنگ خواهند بود. خلفها باید برای صلح و اصلاحات اجتماعی به طور همزمان پیکار کنند. آیا ما واقعاً از تهدیدها هراس به دل راه می دهیم؟ هرگز! زیرا ما خوش بین هستیم، زیرا ما به برکت آموزشهای کارل مارکس که می گوید: «ستم کشان جز زنجیرهایشان چیز دیگری ندارند که از دست بدهند»، توانا هستیم. حکومت ایالات متحده اخیراً شروع به کربیدن طلب دفاع از حقوق بشر کرده است. ما مارکیست - لنینیستها که در نزدمان انسان و رفاه معنوی و حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تضمین شده او مفهوم و مقصود زندگی ما را تشکیل می دهند، ما که الغاء هر گونه استثمار انسان بوسیله انسان را مطمح نظر قرار داده ایم و همیشه از حقوق بشر به مفهوم راستین آن طرفداری کرده ایم، شادمان خواهیم شد اگر موعظه های کارتر به تواند برخی از نزدیکترین متحدانش مانند نیکاراگوئه، ال سالوادور، گواتمالا، هائیتی، شیلی، پاراگوئه، اوروگوئه، آرژانتین، برزیل، زئیر، آفریقای جنوبی،

عربستان سعودی، ایران، کره جنوبی و دیگران را تحت
تأثیر قرار دهد تا دست از سیاست هموطن کشی، شکنجه،
آدم‌ربائی و کشتار رزمندگان دموکراسی و پیشرفت بردارند.
اگر چنین می‌بود دیگر رژیم‌های سرمایه‌داری، استعماری و
نو استعماری و حتی خود ایالات متحده سیمایی این چنین
ضد بشری نداشتند. باید دید چگونه یک رژیم نظامی‌گرای
امپریالیست و بورژواکوار است برای خلق‌های داخل و خارج
کشور خود حقوقی انسانی به مفهوم واقعی کلمه تأمین کند.
در حالی که چنین نظامی با تمام وسایل و امکاناتی که در
اختیار دارد در خدمت منافع و حقوق سرمایه‌داری بزرگ
می‌باشد.

کدام اخلاقی به فرمانروایان این کشورها این حق
داداده است که از حقوق بشر سخن بگویند، در جایی که
میلیونها در کنار گدایان زندگی می‌کنند، در جایی که
سرخ پوستان را شکار می‌کنند و سیاهان قربانی تبعیض
نژادی هستند، جایی که زنان را به قحشا می‌کشند و توده‌های
وسیع «چیکانویی»، «پوئرتو ریکویی»، و آمریکای لاتینی
آماج توهین و تحقیر و استثمارند؟ سران یک امپراطوری

که در آن مافیاحاکم است، جایی که مهدقمارخانه‌ها و فحشاء
کودک است، جایی که سی. آی. ای. طراح و اجراکننده
توطئه‌های حکومت براندازی و جاسوسی در سطح جهان
است، جایی که پنتاگون بمب‌نوترونی می‌آفریند که با آن
زندگی نابود می‌گردد، ولی اشیاء را برایشان دست
نخورده باقی می‌گذارد، جایی که حکومت‌هایش را
ارتجاع و امپریالیسم می‌سازند، حکومت‌هایی که پاسدار
و مشوق استعمارثروت و نیروی انسانی در تمام قاره‌ها
به وسیله انحصارات اند، حکومت‌هایی که سیاست‌بازرگانی
نابرابر را تعقیب می‌کنند و دست‌اندر کار چپاول بی‌سابقه
منابع طبیعی اند و جهان را تهدید به خطر گرمسنگی
کرده‌اند، چگونه به خود جرات می‌دهند مسئله حقوق بشر
را به بحث بگذارند.

چطور نمایندگان يك حکومت سرمایه داری و
امپریالیستی که در آن استعمار انسان به وسیله انسان، خود-
خواهی و فرد گرایی و فقدان کامل همیاری و همکاری جوهر
اساسی آنرا تشکیل می‌دهد، می‌تواند از حقوق بشر سخن
بگوید؟ آنهایی که ارتجاعی‌ترین، خون‌خوارترین و فاسد-

ترین حکومت‌های ارتجاعی جهان مانند: ساموزا، پینوشه، استروسنر، گوریل‌های اروگوئه، موبوتو، شاه ایران را تعلیم داده و مسلح می‌کنند، با کدام گستاخی این کالای «حقوق بشر» را بیازار می‌آورند؟ آیا باز هم نمونه‌های بیشتری می‌خواهید؟

آتهایی که پیوندهای نزدیک خود را با نژادپرستان در آفریقای جنوبی که بیست میلیون سیاه‌پوست را مورد سرکوبی و تبعیض نژادی قرار می‌دهند حفظ کرده‌اند، یا آتهایی که مقادیر عظیم جنگ افزارهای پیشرفته را در اختیار تجاوزکاران صهیونیستی قرار می‌دهند تا خلق عرب فلسطین را از زاد و بوم جدا نشدنی خود جدا سازند و از پس دادن سرزمینهای به وسیله زور اشغال شده جلوگیری کنند، نمی‌توانند از حقوق بشر سخن بگویند. چگونه می‌تواند مسئله حقوق بشر به وسیله رهبران کشوری مطرح شود که سازمان‌های ویژه جاسوسی آن نقشه سوء قصد به جان رهبران دیگر کشورها را می‌ریزند، سپاهیان‌ش میلیون‌ها ویتنامی را کشتار کرده و صدها برابر قدرت انهدام و کشتار بمب‌هایی که بر هیروشیما و ناگازاکی فروریخته‌اند، بر این

سرزمین بمب باریده‌اند و برای جنایت‌هایی که مرتکب شده‌اند حتی از پوزشی هم فروگذار کرده و از پرداخت غرامت در برابر زیان‌هایی که بر دیگران وارد ساخته‌اند سرباز میزنند؟

چگونه این رهبران می‌توانند با چنین فصاحتی از حقوق انسانی داد سخن دهند که سیاست ستی کشورشان دخالت در امور کشورهای آمریکای لائین و انقیاد خلق‌های آن در یوغ استعمار بوده، مسئول مرگ صدها هزار نفر کودک از بیماری و گرسنگی می‌باشند و بالاخره چگونه يك حکومت امپریالیستی که پایگاه نظامی در قلمرو کشور ما داشته و خلق ما را در معرض محاصره اقتصادی تبهکارانه‌ای قرار داده اجازه چنین وقاحتی به خود می‌دهد؟

بسیار خوب خواهد بود که آقای رئیس‌جمهور کارتر به جای موعظه از خود شروع کنند و با آزادی لولیتالبرون و دیگر میهن پرستان پوئر توریکو بی که بیش از بیست و پنج سال است که در زندان‌هایشان اسیر است و نیز گروه ده نفری ویامینگتن که به اتهام ساختگی و دسیسه بازی به زندان افکنده شده‌اند و هزاران سیاهپوستی که به علت تبعیض نژادی،

بیکاری و گرسنگی مرتکب جرم شده‌اند به عبارت -
پردازی‌های خودجابه عمل ببوشانند .

فر رهبر ایالات متحده آمریکا چند جمله عوامفریبانه
برای آمریکای لاتین و جهان آماده دارد. یکی از «حسن
همجواری» سخن گفت دیگری از «اتحاد برای پیشرفت»
و حالانوبت این یکی است که شعار «حقوق بشر» را سر
دهد. اما هیچ چیزی در سیاست‌شان نسبت به نیم کره غربی
و بقیه جهان تغییر نکرده است. همه چیز به همان منوال است
که بود. دیپلماسی رزمنه‌او و دلار و اصل «ذو رحق است»
همیشه فرمانروای این سیاست بوده است. شعارهایشان مانند
حکومت‌هایشان تمدتند عوض می‌شود. تنها دروغ‌هایشان
هست که همچنان بر سر جاست .

پیش از این بیان کردیم که امپریالیسم، نگهبان فاشیسم
در آمریکای لاتین، جدایی‌نژادی در آفریقا و استعمار نو در تمام
قاره است. سیاست امپریالیسم در عین حال سخت خائنانه و
ناجوانمردانه است. این سیاست اختلاف بین کشورهای
سوسیالیستی را دامن می‌زند. گرایش‌های ناسیونالیستی و

شوینیسمی را تحریک می کند و در درون جنبش ترقی خواه
دنیا متحذینی برای خود می گردد. امپریالیسم که سابق
بر این باسرسختی باناسیونالیسم به مثابه تظاهری از روح
استقلال طلبی و ضد استعماری دشمنی می ورزید و با آن
به عنوان یک جنبش ضد امپریالیستی و مدافع حقه هر کشور
به جنگ پرداخته و دارد می پردازد، اکنون دل به این امید
بسته است که تشدید و تعمیق همین احساسات یعنی
«شوینیسم» رویا روی اصول انترناسیونالیسم قرار گیرد.
امپریالیستها به این باور که در آسیا، آفریقا و در آمریکای
لاتین این گرایش همواره نیرومندتر از روحیه انقلابی و
انترناسیونالیستی بوده دل خوش کرده اند. آنها دیگران را
به وسیله دستاوردهای تکنولوژیک کشورهای صنعتی
توسعه یافته، انحصار سازمانهای اعتباری و مالی بین المللی
از منابع عظیم ارزی که هنوز غرب سرمایه داری در اختیار
دارد، تحت فشار قرار می دهند. علاوه بر طلاهایی که در
قرنهای متعادی از طریق استثمار زحمتکشان کشورهای
خود و نیز ملتهای استعمار زده و نو استعمار زده در حال
توسعه انباشته شده است، منابع میلیونی کشورهای بی چون

عربستان سعودی و ایران را هم به آن افزود که این کشورها به نوبه خود منابع سرشاری از کشورهای دیگری که اقتصادشان عقب افتاده است بیرون می کشند و در اختیار کشورهای امپریالیستی قرار می دهند. امپریالیستها با این وسایل و امکانات فراوانی که در اختیار دارند، امیدوارند که جنبش های ترقی خواه جهان سوم را نابود کنند.

این حقیقت روشنی است که عواقب بحران اقتصادی جهان سرمایه داری دردناک تر از همه به کشورهای که دارای حکومت های مترقی هستند، انتقال می یابد، به ویژه به کشورهای هائی که دارای منابع محدود بوده و در اسارت قرضه های جهانی قرار دارند و بی رحمانه دست خوش طوفان های مالی قرار می گیرند. در بعضی کشورها نیروهای راست گرا دقیقاً بعینت همین دشواری های اقتصادی انتخابات را می برند، حال آنکه ارتجاع برای غلبه بر همین مشکلات اقتصادی به تشکیل حکومت های فاشیستی پرداخته و به سرکوبی وحشیانه توسل می جویند.

صندوق بین المللی پول و دیگر سازمان های اعتباری و مالی که اهرم های سنتی سیاست ایالات متحده به حساب

می آیند، شرایط سنگین واسارت آوری را تحمل کرده
و به تضعیف پایگاه توده‌ای حکومت‌هایی که مورد نظرشان
نیست پرداخته و ثبات سیاسی آنان را مختل می‌سازند که
این خود منجر به پیروزی‌های موقتی قوای ارتجاع در این
کشورها می‌شود.

انکار این که جنبش انقلابی و ترقی‌خواه دست‌خوش
مشکلات خطیری است دور از صداقت است. خیانت
رهبران چین به آرمان‌های انترناسیونالیسم، مواضع دیوانه‌وار
آنها، همداستانی ننگ‌آلود آنها با نیروهای امپریالیستی
همه اینها ضربت سنگینی بر پیکر قوای ترقی‌خواه جهان وارد
آورده و انزجار انسان‌را بر می‌انگیزد. ویتنام، آنگولا و
کوبا کشورهای کوچکی که با پیکار مصمم و دلاورانه
خود علیه امپریالیسم در گذشته و حال اینچنین در صحنه
جهانی اعتبار و حیثیت کسب کرده‌اند، اکنون آماج
حملات وحشیانه و عملیات خصمانه و افترا زنی به وسیله
سردمداران خیانت‌پیشه چین شده‌اند. پس از قریب بیست
سال اعمال خصمانه و تجاوز کارانه ایالات متحده علیه
کوبا که نتوانست مارا بزانو در آورد، اکنون با يك

باشد اما باید به خاطر داشت که همکاری نظامی با آنگولا و اتیوپی چیز تازه‌ای نیست. در سال ۱۹۶۳ سربازان کوبایی به جمهوری برادر الجزیره رفتند تا به آن در دفع تجاوز بیگانه که چند ماه پس از پایان پیروزمند پیکار قهرمانانه برای استقلال و علیه اشغال قسمتی از سرزمین آن صورت گرفت، یاری رسانند. در سال ۱۹۷۳ نیز سربازان کوبایی به درخواست حکومت سوریه بهنگام جنگ تجاوز گرانه صهیونیست‌ها، به یاری خلق سوریه شتافتند، سربازان کوبایی برای آزادی گینه بیسائو و آنگولا از یوغ اسنعمار پرتغال نبرد کردند و جان فشاندند، و باز همه می‌دانند که بعضی از هم‌زمان دلاورما که در نبرد چریکی سیرامایسترا شرکت داشتند همراه با چه گوارا در بولیوی به شهادت رسیدند.

سنن انترناسیونالیستی انقلابین کوبایی حتی قبل از پیروزی انقلاب هم متجلی بود و آن وقتی بود که هزاران داوطلب که بسیاری از آنان کمونیست بودند برای نبرد علیه فاشیسم به اردو گاه اسپانیا شتافتند. هم بستگی بین‌المللی کمونیستها و روحیه رزم جویانه آنها از دیرباز ریشه‌های عمیقی در جنبش انقلابی جهان یعنی از روزهای

امپریالیست‌های آمریکایی همه جابانی‌روهای ارتجاع
بورژوازی و فاشیسم فصل مشترک دارند . هم اکنون صدها
هزار سرباز و مستشار آمریکایی در اروپای غربی ، ترکیه ،
عربستان سعودی ، ایران ، کره جنوبی ، جمهوری فدرال آلمان
و دیگر کشورها وجود دارند . چرا امپریالیست‌ها مجازند با
یکدیگر همکاری کنند ولی انقلابیون اجازه ندارند ؟

کارشناسان نظامی ما در آفریقا و در نقاط دیگر جهان
بنابعد عوت حکومت‌های کاملاً مستقل بدان‌جا رفته‌اند . اما
ایالات متحده ده‌ها هزار سرباز را رویاروی اراده خلاق به پاناما
گسیل داشته است . هزاران تفنگدار دریایی آمریکا در
قلمرو حکومت مستقل کوبا علی‌رغم خواست خلق ما مستقر
هستند . ایالات متحده با کدام حق از ما می‌خواهد کادر
نظامی خود را از آفریقا خارج کنیم در حالیکه این نیروها به
درخواست حکومت‌های انقلابی و مستقل به آنجا رفته‌اند ؟
از آن زمان که جمهوری خلق چین از بنک انسان‌معمولی
به گونه مسخره‌ای خدا ساختند ، حزب را متلاشی کردند
و بهترین کادرهای حزبی را در دوران ماجرای دیوانه‌واری

و شوینیسیم عظمت طلبانه سیطره یافت و به خیانت به
انترناسیونالیسم انجامید، یک کشور سوسیالیستی به کشوری
تبدیل شد که دارودسته خویشاوند گرایان سکان حکومت
را به دست دارند و زوجه‌ها یا دامادهایشان به عضویت
دفتر سیاسی درمی آیند، در چنین اوضاعی چه انتظاری از
ماتوئیستها می توان داشت .

آیا چیز عجیبی است که حکومت چین اکنون
از رژیم های فاشیستی و خون خوار «پینوشه» و دیگر حکومت های
نظامی و ارتجاعی آمریکا لاتین پشتیبانی کند؟ آیا
شگفت انگیز است که پکن با موبوتو و نیروهای مداخله گر
ناتو هم داستان شود؟

هیچ چیز غیر عادی در این واقعیت وجود ندارد که
او در کنار نژاد پرستان آفریقای جنوبی علیه آنگولا و در
کنار تجاوز سوماتالی علیه انقلاب اتیوپی باشد، از سیاست
تسلیم طلبانه و جدایی طلبانه مصر حمایت کند، به دنبال
نزدیکی و وصلت با نیروهای محافظه کار و ارتجاعی
انگلیس و جمهوری فدرال آلمان بگردد، و با ناتو در اروپا

امپریالیسم آمریکادر سراسر جهان هم آور باشد و به طور آشکار و مخاطر آمیز از اجتناب ناپذیری جنگ جهانی سو سخن بگوید .

اما مشمئز کننده ترین تبه کاری های دستگاه رهبری چین سیاست خصمانه آن در برابر ویتنام می باشد . بر هیچ کس پوشیده نیست که مائوئیسم و گروه رهبری چین در پس عملیات افراطی کامبوج قرار دارد ، همه می دانند که آنها پشت سر تحریکات علیه ویتنام هستند ، همه می دانند که آنها پشت سر مسئله مصنوعا ایجاد شده اقلیت های چینی تبار هستند . هم اکنون يك مبارزه شوینیستی سرتاسری علیه ویتنام در چین دامن زده می شود . پکن تمام همکاری های اقتصادی خود را با ویتنام به صورت تعلیق در آورده است . چین تبه کارانه و بی شرمانه دست اندر کار متلاشی ساختن کوشش های ویتنام در بازسازی کشور می باشد . کشوری که این گونه در معرض انهدام و ویرانگری امپریالیستها بوده است . موضع رهبران چین یاد آور سیاست آمریکانست به کوبا است . در سالهای نخست پس از انقلاب ، امپریالیست ها هم بر آن شدند تا بدون اجازه ما کشتی های شان را جهت تخلیه

اتباع آمریکایی گسیل دارند. آنها ده‌ها هزار کوبایی را تحریک به مهاجرت کردند، خصوصاً روشنفکران، متخصصین و کارگران ماهر را. آنها مبارزه افترازنی وسیعی را علیه کوبا به راه انداختند و در اجرای محاصره اقتصادی به اقدامات وحشیانه‌ای توسل جستند.

خلق ویتنام، ویتنامی که زادگاه متواضع ترین و پیگیرترین مارکسیست - لنینست دوران ما - هوشی مین فراموش نشدنی و محبوب است، این خلق سلحشور با کارهای میهن پرستانه و انقلابی خود هزاران بار جهان را بشگفتی واداشته است. امروز همین خلق قربانی تجاوز و خیانت چین شده است.

چندی قبل گزارش شد که چند اسکادران از هواپیما های جنگی چین بحریم هوایی ویتنام تجاوز کرده اند. چنانچه دست‌های تبه کار را به موقع بازنداریم، باید ناظر تحریکات نظامی بیشتر و خطرناکتر علیه ویتنام قهرمان باشیم. از این رو است که ما باید همبستگی خود را تجلی داده و مصممانه بحمايت ویتنام برنجیزیم. حزب ما پیشنهاد می کند که کمیته های همبستگی با خلق ویتنام را در برابر خطر تجاوز امپریالیستها

دوباره برپا کنند. گرچه ممکن است این امر مسخره بنظر
برسد ولی پیوستن دستگامر هبری چین به اردوی ضدانقلاب
و یافتن این متحدین وفادار جدید می تواند نطفه این
ماجرای جوتی را بارور کند .

تحقیر خلفها و بی اعتنایی به موازین باید متوقف
شود، بایستی افکار عمومی جهان فوراً به مقابله با آن
برخیزد.

حتی کشور کوچکی مثل آلبانی که در مرحله
آغازی شکاف در جنبش انقلابی جانب چین را گرفت
اکنون دیگر او را رها کرده است . جمهوری خلق چین
جهت گوشمالی آلبانی کمک های اقتصادی خود را به آن قطع
کرده است . خلق قهرمان چین که خلقی سخت کوش،
رزمنده، فداکار، دلاور و انقلابی می باشد ، دیر یا زود با
دارو دسته خیانتکاری که درفش پرافتخار انترناسیونالیسم
را خاکسار امپریالیسم کرده اند تصفیه حساب خواهد کرد.
در جهان امروز نهاد و گزینش وجود دارد، ارتجاع
یا ترقی خواهی، یکی را باید انتخاب کرد. بی طرف بودن
امکان پذیر نیست.

این روزها فرصت‌طلبی، سیاست‌های غیر اصولی،
 گرایش‌های آشتی‌جویانه با امپریالیسم در رابطه با مسائل
 ناشی از جنبش انقلابی کم و بیش دارد جان می‌گیرد و
 فرصت‌طلبی، مشکلات اقتصادی شوینیسیم، عوام‌فریبی و جبن
 سیاسی به تزلزل در بسیاری از مسائل اصولی می‌انجامد.
 نمی‌توان در پیکار خلع‌های عرب در بازپس گرفتن
 سرزمین‌هایشان و شناخت حقوق خلق عرب فلسطین یا در
 پیکار خلع‌های آفریقا علیه استعمارگران نو، در پیکار
 آنگولابانجاوزگران، در پیکار خلق صحرای غربی به خاطر
 حقوق خود و آزادی سرزمین‌های خودیش، و پیتار خلق
 اتیوپی به خاطر انقلاب و رفع تجاوز سومالی: در پیکار خلق
 یمن جنوبی علیه ارتجاع عرب، در مبارزه بین کشورهای
 مرفقی و ارتجاعی عرب، در مبارزه میان خلق ویتنام با
 آنهایی که مورد تهدید و تجاوزش قرار دادند، در مبارزه
 بین نژادپرستان آفریقای جنوبی و خلق آفریقای جنوبی،
 بین جبهه میهن پرستان زیمبابوه و رژیم پان‌اسمیت، بین
 وزامبیک و فاشیست‌های رودزیایی و آفریقای جنوبی، بین
 امبیا و استعمارگران، بین قبرس و مهاجمین بیگانه، بین

نیروهای پیشرو و راستگرای لبنان، بین آینده و پینوشه
بیطرفی اختیار کرد. هیچ کس نمی تواند در مسئله حاکمیت
پاناما و در مسئله حق خلیجهای بلیز و سپوئرتوریکو برای
استقلال، در موضوع محاصره اقتصادی کوبا و پایگاه نظامی
در گوانتانامو بیطرف بماند.

نمی توان در مقابل امپریالیسم، استعمار، استعمار تو،
نژادپرستی، فاشیسم، در برابر مسائل متعدد مربوط به پیکار
اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و بین ارتجاع و ترقی در جهان
بیطرف بود.

انقلاب ما با مردود شمردن همه اشکال فرصت طلبی
سیاسی متمایز میشود. سیاست رزم جویانه مشخص و استوار
و مصمم ما در همبستگی با آرمان عادلانه خلقها، اعتبار و
اقتدار فزاینده کوبا در عرصه بین المللی برخی محافل،
خصوصاً آمریکا را به وحشت انداخته و به تلاشهای
مذبوحانه ای برای منزوی ساختن و نابود کردن انقلاب ما
واداشته است.

بر طبق گزارشهای رسیده از ایالات متحده حکومت
آمریکا به منظور بی اعتبار ساختن نقش کوبا در جنبش

کشورهای غیر متعهد باپانزده کشور غیر متعهد تماس حاصل کرده است. اما جنبش ممالک غیر متعهد، سازمان کشورهای آمریکایی نیست که نقش وزارت مستعمرات را برای ایالات متحده بازی کند و امپریالیسم بعنوان از باب نیمکره در آن حرف خود را بر کرسی بنشانند. بد نبود اگر می دانستیم این کشورها کدام بودند و پاسخ وزرای خارجه آن چه بوده است.

از چه وقت ایالات متحده آمریکا به خود اجازه داده است که قیم کشورهای غیر متعهد باشد و سیاست هایشان را هدایت کند؟ کدامند این حکومت های بی اصالتی که به این خیمه شب بازی پیوسته اند. ماهواره بر این اعتقاد بوده ایم که معیار عمده جنبش کشورهای غیر متعهد که کوبا همراه با نهره، ناصر، نکرومه و دیگر رهبران در پایه گذاری آن شرکت داشته است، و متأسفانه بسیاری از این رهبران از بین رفته اند، باید کیفیت آن باشد و نه کمیت آن.

ما همواره بار خنّه اعضا بلوکهای نظامی، فاشیستها و مرتجعین که نوکر امپریالیسم بوده و نقش «اسب تراوا» را در این جنبش ها بازی می کنند بمخالفت برخاسته و باز هم

ادامه خواهیم داد. ما همواره بر این اعتقاد بوده‌ایم که جنبش غیر متعهد نباید یک گرایش بدون شکل، فرصت طلبانه و سازشکارانه، بلکه باید یک نیروی ضد امپریالیستی، ضد استعماری و ترقی خواهانه‌ای باشد که بتواند تأثیر مثبتی در امور بین‌المللی بگذارد. این دقیقاً همان چیزی است که بنیان‌گذاران آن در بدو امر در سر داشتند و تنها از این دیدگاه باید به آن نگریست. کوبایک کشور غیر متعهد است زیرا جزء هیچ یک از پیمان‌های نظامی نیست. اما قسویاً مخالف از جناح امپریالیسم، استعمار، نو استعمار، نازیسم، نژادپرستی، صهیونیسم، مناسبات اقتصادی نا برابر و استثمار کشورهای در حال توسعه می‌باشد. کوبا با عزمی راسخ از جنبش‌های آزادی بخش، از هر امر عادلانه، از تمام نیروهای ترقی خواه جهان پشتیبانی می‌کند و این همان هدفهای عمده‌ای است که بخاطر آن جنبش غیر متعهد پدید آمده است.

چرا ایالات متحده تا آن اندازه از تشکیل ششمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد در هاوانا نگران است؟ چرا برای خرابکاری در آن اینقدر تلاش میکند؟ چه

کسی او را در این مافورها یاری می‌دهد؟ چه هدفهایی را در درون جنبش تعقیب می‌کند؟ کاملاً پیدا است که ایالات متحده و همه خیانت‌کاران، فرصت‌طلبان، عناصر متزلزل و آنهایی که با اصول سوداگری می‌کنند، از موضع رزمنده، استوار و انعطاف‌ناپذیر و راستین کوبا هراس دارند. ممکن است حکومت‌هایی باشند که خود را بمعرض فروش قرار دهند، اما کوبا را نمی‌توان خرید و ایالات متحده این را خوب می‌داند.

ما هرگز سازش نخواهیم کرد. ما هرگز به اصول اترناسیونالیستی خود خیانت نخواهیم کرد و هرگز به خواسته‌ها و باجگیری‌های امپریالیستی سرفرود نمی‌آوریم. ما از اهداف شوینستی پیروی نمی‌کنیم، ما سیاست خارجی خود را هرگز بمعامله نمی‌گذاریم، ما همیشه آماده‌ایم دست رد شایسته‌ای بر سینه امپریالیسم بکوبیم و بسا فداکاری تا هر مدت که لازم باشد با محاصره اقتصادی آنان مقابله نمائیم. دیگران می‌توانند سر تعظیم فرود آورند. دیگران ممکن است خود را بمعرض فروش بگذارند، دیگران می‌توانند خیانت کنند، اما کوبامی‌داند که چگونه به

صورت يك الكوى انقلاب پابرجا بماند۔ انقلابى كه تسليم
 نمى پذيرد و ب معامله ن نمى دهد. هيچ مبارزه‌اى مارا به هراس
 نمى افكند. از آن زمان كه قدم به جاده انقلاب گذارديم
 هيچ گاه بيمى بدل راه نداديم. يك كمونيست راستين هرگز
 از مصائب هراسان نمى گردد. کشور ما با اراده تسخير ناپذير
 انقلابيون ساخته و آبدیده شده است. اندیشه‌هاى والای مارکس،
 انگلس و لينن در روح و قلب ما زندگى مى کند. روح ما از روح
 قهرمانان سالهاى ۱۸۶۸، ۱۸۹۵ و ۱۹۵۳ فيض ميگيرد و در رگت.
 هاى ما خون « سس پدس »، خون « مارتى »، خون « واپچو »،
 خون « آبل سانتاماريا »، خون « کاميلوسين پدس » و خون
 « جه گوارا » جريان دارد. خون سلحشوران « يارا »، « بائير »،
 « مونكارا »، « گرانما »، « سیراما يسترا » و « گيترون » (خلیج
 خو کها)، خون دلوران بحران اکتبر و خون انترناسيوناليتهاى
 سلحشورى كه در نبردهاى ضد فاشيستي اسپانيا بخاک
 افتادند، خونى كه رزم گاهتباى آنگولا و اتيوپى را سيرا ب کرد،
 جارى است. وقتى براى ماموريت‌هاى انترناسيوناليتهاى
 از ميان خلق خود درخواست داد و طلب مى كنيم نه تنها دهها
 بلکه صدها و هزاران تن به تلاش در جهت كسب اين افتخار

برمیخیزند. برای مأموریت‌های غیر نظامی هم جهت خدمت در آفریقا و سایر نقاط جهان، در میان پزشکان، معلمین و مهندسین و دیگر زحمتکشان کوبایی با همان شور انقلابی روبرو هستیم. این بازتابی از روحیه انقلابی خلق ما، از سطح عالی آگاهی سیاسی آن و پیروزی اندیشه‌های انقلابی است و نیز گواهی بر این واقعیت است که خون کمونیست‌ها و انترناسیونالیست‌ها در عروق خلق ما روان است.

در دوران ما جنبش جهانی انقلابی گام‌های بلندی به پیش برداشته است و هر روز توان بیشتری می‌یابد. صفوف آن انبوه‌تر شده و تجربیاتش پربارتر می‌گردد. خیانت، دیوانگی، ضعف و کوردلی آنهایی که به خاطر نخوت خویش «خدا سازی»، تنگ نظری خرده‌بورژوازی، شوینیسم و فرصت طلبی نمی‌توانستند در جاده انقلاب رهسپار شوند هرگز کاروان ظفر نمون بشریت را از حرکت باز نخواهد داشت.

از آنجایی که گزینشی بین جنگ و صلح در دنیایی که در آن زیست می‌کنیم وجود ندارد، همزیستی مسالمت‌آمیز کشور های با نظام های اجتماعی متفاوت تنها راه و

عاقلاً نه‌ترین راه می‌باشد. بنابراین هرملتی بدون مداخله از خارج برای آینده اقتصادی و اجتماعی خود، که چیزی جز پیشرفت، عدالت و همبستگی نخواهد بود- آینده‌ای که به قول مارکس و انگلس «انسان‌گرگ انسان نباشد»- خود تصمیم خواهد گرفت. نیروهای صلح و سوسیالیسم اکنون به اندازه کافی پرتوان هستند و امپریالیسم دیگر در موضعی نیست که سیاست برتری‌جویی (هژمون‌یسم)، جنگ و فتنه‌رانی را بر جهان تحمیل کند. در میان این نیروها کشور برادر اتحاد شوروی، موطن پرافتخار لاتین قرار دارد که دژ نیرومند و تسخیرناپذیری در برابر جاه طلبی‌های ماجراجویانه و تبه‌کاری‌های ارتجاع کنونی می‌باشد. نیروهای سوسیالیسم اجازه نخواهند داد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین با منابع طبیعی خود دیگر بار آماج تفهیم و استعمار قرار گیرند.

بشریت به گذشته باز نخواهد گشت. صلح‌پا برجا خواهد ماند و خلقها به پیشرفت خود در جاده ترقی ادامه خواهند داد، هیچ چیز و هیچ کس قادر به متوقف ساختن آن نیست. حمله به سربازخانه مونکادا يك نمونه از آن

است و تا باید دیگر این حقیقت، انقلاب کو با است. یازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان به خاطر همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی در میان ملل که برای نخستین بار در نیم کره غربی، در فضایی از خوش بینی و اعتماد به آینده و اعتقاد مطلق که آینده تماما متعلق به ترقی، آزادی، عدالت و برادری و برابری خلقها و ملتها است برگزار می شود، باز هم دلیل انکار ناپذیری بر این مدعا است.

یا مرگ یا وطن

ما پیروز می شویم



تکثیر از همراه اران - حزب توده ایران - در آکلاهما

P.O. BOX, 5045

NORMAN, OKLAHOMA

73070